

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين و صلي الله علي سيدنا محمد و آله الطاهرين

عرض کردیم که برخی از بزرگان فرمودند که از ذیل آیه شریفه «ذَلِكُمْ أَطْهَرُ لِقُلُوبِكُمْ وَقُلُوبِهِنَّ» هم لزوم حجاب را میتوانیم بفهمیم و هم تعمیمش را نسبت به سایر زنها و عدم اختصاصش را نسبت به زهای پیامبر (ص).

دیروز عرض کردیم که بیان ایشان چیست و این بیان را تا اندازه ی جواب دادیم، نکته ی که به جواب دیروز اضافه می‌کنیم این است که اساساً در این آیه شریفه متعلق طهارت هم ذکر شده است؛ یعنی در آیه آمده «أَطْهَرُ لِقُلُوبِكُمْ» یعنی شارع در اینجا مطلق الطهارة را نخواست، طهارت قلبی را شارع اراده کرده است.

در قرآن کریم ماده طهارت زیاد استعمال شده است «فِيهِ رِجَالٌ يُحِبُّونَ أَنْ يَتَطَهَّرُوا» یا «قِيلَ الْمَرَادُ الطَّهَارَةُ مِنَ الذُّنُوبِ وَالْأَكْثَرُ أَنَّهَا الطَّهَارَةُ مِنَ النِّجَاسَةِ»

طهارت وقتی بنحو مطلق استعمال شود این احتمال وجود دارد که طهارت از ذنوب اراده بشود.

یا آن آیه شریفه که می‌فرماید «وَلَكِنْ يُرِيدُ لِيُطَهِّرَكُمْ» این عباداتی را که خداوند قرار داده است، برای این نیست که اسباب زحمت را برای شما فراهم کند؛ می‌خواهد شما را تطهیر کند که هر عبادتی خودش يك علت است برای جلوگیری از گناه و طهارتی از ذنوب.

ما اگر کلمه «طهارت» را بصورت مطلق داشته باشیم احتمال این که این طهارت، طهارت از ذنوب باشد داده می‌شود.

اما در خود این آیه می‌گوید طهارت لقلوبکم یعنی شارع در اینجا مسئله را روی طهارت قلبی آورده است، طهارت قلبی اگر آن مبنای که امام بزرگوار (رض) و عده دیگری از اعظام و بزرگان دارند که بگویم امور قلبیه اصلاً از دایره تکلیف خارج است، امور قلبیه يك اموری هستند اختیارش بید مکلف نیست و اساساً مورد تعلق تکلیف نمی‌تواند قرار بگیرد، شارع نمی‌تواند ما را مکلف کند به لزوم طهارت قلبی؛ برای اینکه امور قلبیه از اختیار انسان خارج است اگر این حرف را بزنیم که اصلاً دیگر نتیجه این می‌شود که خداوند می‌فرماید: «وَلَا ذَا سَأَلْتُمُوهُنَّ مَتَاعًا فَاسْأَلُوهُنَّ مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ» اگر شما از ورا حجاب از اینها مسئلت کردید خواه ناخواه بطور قهری این طهارت باطنی و این طهارت قلبی برای شما حاصل می‌شود.

اما يك امری نیست که متعلق تکلیف واقع بشود، شارع نمی‌تواند بگوید همه زن‌ها باید این طهارت قلبی را حاصل کنند، برای اینکه امور قلبیه، افعال قلبیه از اختیار انسان خارج است. روی مبنای بزرگان دیگری مثل والد راحل ما (رضوان الله تعالی علیه) که در مباحث اصولی از نقض‌های که بر امام وارد کردند این است که پس ایمان هم يك امر قلبی است اگر ایمان يك امر قلبی است و اگر شما می‌فرمایید عناوین قلبیه از دائره اختیار تکلیف خارج است پس این همه امر به آمنوا در قرآن برای چیست؟ اینها را توجیه بکنیم! می‌فرمایند: نه، همین مقدار که مقدمات و اسباب امور قلبیه در اختیار انسان است، انسان می‌داند که اگر فلان عمل را انجام بدهد تاریکی قلب برایش حاصل می‌شود، اگر فلان عمل را انجام بدهد نورانیت برای او حاصل می‌شود چون مقدماتش در اختیار انسان هست لذا این متعلق تکلیف قرار می‌گیرد و اشکالی ندارد.

حالا ما در اینجا چه مبنای اول را بگوییم چه مبنای دوم را قائل بشویم چون اصلاً متعلق را معین کرده «[ذَلِكُمْ أَطْهَرُ لِقُلُوبِكُمْ](#)» در بعضی از آیات حجاب که بعداً می‌خوانیم آنجا دارد ذلک ازکی لکم، لقلوبکم ندارد آنجا ازکی لکم دارد، و این، این معنا را تقویت می‌کند که در این آیه شریفه خداوند در مقام این نیست که بیان کند هر چیزی که موجب طهارت قلبی هست تحصیلش بر انسان واجب است، بلکه این مسئلت «من وراء الحجاب» يك چنین اثری را به دنبال دارد.

پس این دلیل اول صاحب کتاب اسداء الرغاب که از این تعلیل و از این بیان که حالا یا علت است و یا حکمت خواستند عمومیت را استفاده کنند، ملاحظه فرمودید که این عمومیت استفاده نمی‌شود.

دلیل دومی که ایشان ذکر کرده این است که ما روایاتی داریم که مرد نا بینایی آمد خدمت پیامبر، زن‌های پیامبر نشسته بودند و پیامبر به آنها دستور داد که بروید پشت پرده.

این روایت در وسائل الشیعه کتاب النکاح، ابواب مقدمات النکاح، باب 129 ذکر شده است «استأذن ابن ام مكتوم على النبي (ص) و عنده عائشة و حفصة – عائشه و حفصه نشسته بودند، ابن ام مكتوم آمد – فقال لهما قوما فادخلا البيت – حضرت امر فرمود که بروید داخل خانه بشوید – فقالتا انه اعمى فقال – آنها عرض کردند یا رسول الله این کور است کسی را نمی‌بیند – فقال ان لم يركما فانكما تريانه» او شما را نمی‌بیند اما شما او را می‌بینید، نظیر این روایت هم از ام سلمه نقل شده است که «كنت عند رسول الله و عنده ميمونة – یکی از زنهای پیامبر – فأقبل ابن أم مكتوم و ذلك بعد أن أمر بالحجاب فقال احتجبا – پیغمبر فرمود برای خودتان حجاب قرار بدهید بروید پشت پرده – فقلنا يا رسول الله أليس اعمى لا يبصرنا؟ – این کور است ما را نمی‌بیند، باز همان جواب را پیغمبر داد که اگر او شما را نمی‌بیند شما او را می‌بینید.

شاهد کتاب اسداء الرغاب این است که این روایتی که به نقل ام السّلمة است دارد – بعد أن أمر بالحجاب – بعد از اینکه خداوند پیامبر را امر کرد به اینکه زن‌ها باید در پس پرده باشند یا – بعد أن أمر الله بالحجاب – خدا امر به حجاب فرموده است، ایشان می‌فرماید ما از این می‌توانیم يك ضابطه کلی در بیاوریم که این آیه شریفه «[وَإِذَا سَأَلْتُمُوهُنَّ مَتَاعًا فَاسْأَلُوهُنَّ مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ](#)» يك امر عمومی به حجاب است، می‌گوید ان أمر بالحجاب اختصاص به زنهای پیامبر ندارد.

مربوط به همه زن‌هاست، چه زنهای پیامبر و چه غیر از زنهای پیامبر؛ این هم دلیل دومی است که ایشان آورده است.

جواب حضرت استاد به صاحب اسداء الرغاب

اینجا چند جواب ما ذکر می‌کنیم، اولاً: این روایت ابن ام مكتوم روایت مرسله است؛ از نظر سند ارسال دارد.

ثانیاً: نقل‌ها مختلف است که در این کتاب وسائل الشیعه آنجا از ام السّلمه که نقل می‌کند دارد – بعد ان امر بالحجاب – اما در

نقل کافی - بعد ان امر بالحجاب - ندارد.

جواب دوم این است که در بعضی از این نقلها «بعد ان أمر بالحجاب» هست و در بعضی از این نقلها «بعد ان أمر بالحجاب» نیست، بالاخره تردید داریم این تعبیر هست یا این تعبیر نیست؛ تردید می‌کنیم و شك می‌کنیم دیگر صلاحیت استدلال را ندارد.

نکته سوم این است که «بعد ان أمر بالحجاب» در کلام ام السلمة آمده است و کلام ام السلمة برای ما اعتباری ندارد؛ «بعد ان أمر بالحجاب» اگر در کلام معصوم (ع) باشد این برای ما اعتبار دارد اما اگر در کلام ام السلمة باشد که حجیت شرعی ندارد تا بخواهیم به آن استدلال کنیم.

اشکال چهارم این است که در بعضی از کتب روایی دیگر دارد «بعد ان امرنا بالحجاب» بعد از اینکه ما مأمور به حجاب شدیم؛ یعنی از آن استفاده می‌شود که این امر به حجاب اختصاص به ما زن‌های پیامبر داشته است، لذا با این چهار جوابی که از کلام ایشان دادیم ما نمی‌توانیم از این روایت هم عمومیت را استفاده کنیم.

حالا اینجا نکته ی که وجود دارد این است که بگوییم این آیه شریفه دلالت بر وجوب حجاب دارد برای زن‌های پیامبر.

و این روایت ابن ام مکتوم اگر هم ما بر فرض بپذیریم؛ اگر هم سندش را بپذیریم، اگر هم بگوییم حالا اشکالی از این جهت ندارد اما این روایات باز مربوط به همین اختصاصات زنهای پیامبر می‌شود.

البته ما داریم از دید فقهی می‌گوییم، از دید اخلاقی و تربیتی مسئله این است که بهترین چیز برای زن این است که نه مردی او را ببیند و نه او مردی را ببیند، ولی از دید فقهی آیا می‌شود از این روایت ابن ام مکتوم استفاده کرد که زن هم ولو بنحو استحباب، زن اگر مردی آمد من وراء حجاب با او صحبت کند و او را نبیند! ظاهراً این است اگر گفتیم آیه ازش وجوب حجاب برای خصوص زن‌های پیامبر استفاده می‌شود این دو روایت را هم باید بگوییم که اینها مربوط به زنهای پیامبر بوده است، یعنی باید بگوییم زنهای پیامبر موظف بودند که آنها هم مردی را نبینند اما این دیگر ازش نمی‌شود استفاده کرد راجع به عموم زنها و سایر نساء المؤمنین، بگوییم برای آنها هم مستحب است؛ از این روایت ما این ملاک را نمی‌توانیم استفاده کنیم.

پس ببینید ما در مقابل صاحب اسداء الرغاب می‌گوییم اگر آیه شریفه ازش وجوب حجاب استفاده بشود و بگوییم اختصاص به زنهای پیامبر دارد تازه باید این روایت ابن ام مکتوم را هم بگوییم منحصر به زنهای پیامبر بوده! حتی شاید شامل فاطمه زهرا (س) نمی‌شود، این از مختصات زنهای پیامبر بوده که آنها هم مردی را نبینند، اما مطلب اساسی این است که حالا ما همه این حرفها را کنار می‌گذاریم ما باشیم و آیه شریفه، آیا از این «وَإِذَا سَأَلْتُمُوهُنَّ مَتَاعًا فَاسْأَلُوهُنَّ مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ» وجوب را استفاده می‌کنیم؟

و آیا بعد از نزول این آیه شریفه، زنهای پیامبر هیچ وقت، هیچ کجا هیچ مردی را ندیدند! و هیچ مردی هم آنها را ندید؟ یا اینکه چه بسا بگوییم نه، از آیه رجحان این کار استفاده می‌شود، در این آیه از این «فَإِذَا طَعِمْتُمْ فَانْتَشِرُوا» که نمی‌شود استفاده وجوب کرد، يك رجحانی دارد، ارشاد می‌کند خداوند یا می‌فرماید بهتر این است که فَإِنْ تَشْرَوْا حالا اگر کسی طعام خورد در خانه پیامبر و يك ده دقیقه نشست بگوییم این ترك واجب کرده؟ «وَلَا مُسْتَأْنِسِينَ لِحَدِيثٍ إِنَّ ذَلِكُمْ كَانَ يُؤْذِي النَّبِيَّ فَيَسْتَحْيِي مِنْكُمْ وَاللَّهُ لَا يَسْتَحْيِي مِنَ الْحَقِّ وَإِذَا سَأَلْتُمُوهُنَّ مَتَاعًا فَاسْأَلُوهُنَّ مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ» می‌خواهیم این را عرض کنیم هم قبل از این تعبیر و هم تعبیر «ذَلِكُمْ أَطْهَرُ» از همه این تعابیر رجحان را می‌شود استفاده کرد، که بهتر این است آنچه که موجب طهارت قلبی شما و موجب طهارت قلبی زنهای پیامبر هست این است که «من وراء الحجاب» از اینها چیزی خواسته بشود.

ما باشیم و آیه با این «[ذَلِكَمُ أَطْهَرُ](#)» و قبلش که می‌گوید: «[فَإِذَا طَعِمْتُمْ فَانْتَشِرُوا](#)» نمی‌توانیم از آیه يك ظهور روشنی در وجوب استفاده کنیم حتی نسبت به زنهای پیامبر تا چه برسد به اینکه بعداً بگوییم این وجوب الحجاب را باید تعمیم بدهیم نسبت به جمیع زنهای مؤمنین. الان عرض ما این است با قطع نظر از بحث‌های که در این دو روز کردیم آیا از «[وَلَا ذَا سَأَلْتُمُوهُنَّ مَتَاعاً فَاسْأَلُوهُنَّ مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ](#)» وجوب استفاده می‌شود؟ لزوم استفاده می‌شود؟ آیا «[ذَلِكَمُ أَطْهَرُ لِقُلُوبِكُمْ](#)» خودش يك قرینه روشنی نیست که این وجوب ندارد! اما موجب طهارت قلبی شماسست، يك نکته یعنی یکی از چیزهای که در شأن نزول این آیه وارد شده است که باید ببینیم و این را دقت کنیم و نکته دوم همین است که آقای حبیبی هم به آن اشاره فرمودند که اصلاً آیا بعد از نزول این آیه، در زمان خود پیامبر (سال پنجم هجری) تا آخر عمر مبارك پیامبر هیچ مردی دیگر زن پیامبر را ندید و هیچ زنی از زنهای پیامبر هم هیچ مردی را ندید! در این شأن نزولی که الان می‌خواهیم بخوانیم حالا این شان نزول چون يك مقدار طولانی است این را برای فردا می‌گذاریم، آقایان تفسیر برهان جلد 4، صفحه 483 ملاحظه نمایند که این را فردا می‌خواهیم عرض کنیم که ازش استفاده می‌شود که این يك حکم لزومی و يك حکم وجوبی نبوده تا اینکه بخواهیم سرایت بدهیم به بقیه نساء مؤمنین.

وصلی الله علی محمد و آله الطاهرين.